

نویسنده: دکتر احمد جعفری صمیمی

## بررسی اهمیت و اثرات اقتصادی استقراض ملی در کشورهای مختلف جهان

### مقدمه

بدهی داخلی<sup>۲</sup> و بدهی خارجی<sup>۳</sup> تقسیم می شود. به عبارت دیگر همانطور که در اقتصاد بخش خصوصی افراد و شرکتها برای تأمین مالی برخی از مخارج خود بویژه مخارج سرمایه گذاری مجبور می شوند از بانکها وام بگیرند، دولت نیز گاه برای تأمین هزینه های خود ممکن است بجای استفاده از سایر راهها از طریق استقراض داخلی یا خارجی کمبود منابع خود را جبران کند.

هنگامیکه درآمدهای دولت از هزینه هایش کمتر باشد، دولت می تواند به استقراض متوسل شود و از این راه کسری درآمد خود را تأمین کند.

بنابراین منظور از قرضه ملی یا قرضه عمومی کلیه وامها و قرضه های دولتی از بانک مرکزی، بانکهای تجاری، سازمانهای تجاری، مردم و وامهای دریافتی از کشورهای خارج است.<sup>۱</sup> استقراض دولت در مجموع به

---

۱- در اقتصاد بخش عمومی مفاهیم قرضه ملی (national borrowing) بدهی یادین ملی (national debt) استقراض عمومی (public borrowing) و بدهی یا دیون عمومی (public debt) همگی با یکدیگر مترادف تلقی می شوند.

Internal debt      External debt

در این مقاله ابتدا اهمیت استقراض ملی در کشورهای مختلف جهان با توجه به اطلاعات آماری، تجزیه و تحلیل می‌شود. آنگاه با توجه به معیارهای مختلف، اهمیت و بار ناشی از استقراض در ایران و سایر کشورهای جهان بررسی می‌گردد. سرانجام با مقایسه استقراض با راههای دیگر تأمین مخارج دولت اثرات اقتصادی قرضه ملی تجزیه و تحلیل می‌شود.

#### اهمیت استقراض ملی

در مجموع باید گفت در طول تاریخ عوامل مختلفی در افزایش بدهی ملی کشورها سهیم بوده‌اند، از جمله این عوامل می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- جنگ و مخارج نظامی دولت

۲- انجام تعهدات اجتماعی دولت

۳- ایجاد ثبات اقتصادی (کاهش بیکاری و ثبات قیمت‌ها از طریق تجهیز منابع داخلی یا خارجی)

۴- تأمین کسری در بودجه دولت

۵- رشد و توسعه اقتصادی

بنابراین می‌توان گفت ارزیابی اثرات اقتصادی قرضه ملی به علل ایجاد این قرضه و مقایسه آن با سایر راههای دیگر تأمین مالی مخارج دولت بستگی دارد. به عبارت دیگر اگر دولت از طریق استقراض بتواند از وجوه جمع‌آوری شده، مخصوصاً وجوه را کد به صورت صحیح استفاده کند یعنی در سرمایه‌گذاری مولد، بطوریکه بتواند اصل و

فرع استقراض را از درآمد ایجاد شده تأمین نماید، در اینصورت می‌توان گفت دولت با این عمل در درازمدت باعث افزایش تولید و رشد اقتصادی خواهد شد. در مقابل چنانچه استقراض به منظور تأمین مالی مخارج غیرمولد مانند مخارج مصرفی و غیرتولیدی بکار رود، در این صورت این نوع استقراض اثرات اقتصادی نامساعدی ایجاد می‌کند. بدین معنی که نه تنها در این نوع مخارج نمی‌توان عوایدی کسب نمود بلکه با توجه به اینکه برای خدمات قرضه باید به دارندگان اوراق قرضه، بهره نیز پرداخت، بنابراین در این حالت اصل قرضه و بهره آن به صورت باری بر جامعه تحمیل می‌شود.

جدول (۱) میزان بدهی ملی و هزینه‌های خدمات بدهی (بهره+بازپرداخت سالیانه یا استهلاک) را به صورت مطلق و به صورت درصدی از تولید ناخالص ملی در دو کشور آمریکا و انگلستان در سالهای ۱۹۸۸-۱۸۱۸ نشان می‌دهد.

همانطوریکه در ارقام جدول شماره یک دیده می‌شود، معمولاً در سالهای جنگ، استقراض به صورت قابل توجهی در این کشورها افزایش یافته است. علاوه بر این در انگلستان باربدهی، بیشتر مواقع در گذشته به مراتب بیشتر از سالهای اخیر بوده است، در حالیکه در آمریکا تقریباً وضعیت کاملاً مخالفی مشاهده می‌شود. در آمریکا در سالهای اخیر به علت اجرای سیاستهای

جدول ۱- بدهی مایی و هزینه‌های بهره‌نسیبت به تولید ناخالص ملی در آمریکا و انگلستان (۱۹۱۸-۱۹۸۸)

تولید ناخالص ملی	بدهی		تولید ناخالص ملی	تولید ناخالص ملی	تولید ناخالص ملی	تولید ناخالص ملی	بدهی دولت مرکزی	بدهی دولت مرکزی	سال
	بهره بدهی	×۱۰۰							
۳/۲			۰/۳۷	۴۸۴۳	۱۵۳	۱۷۹۰	۱۹۸۸	آمریکا	
۲			۰/۲۲	۲۷۳۲	۵۳/۳	۵۹۴	۱۹۸۰		
۱/۹			۰/۹۹	۲۱۳	۴/۱	۲۱۱	۱۹۴۵		
۰/۹			۰/۳۳	۱۰۰/۴	۰/۸۶	۳۳/۳	۱۹۴۰		
۰/۷			۰/۱۸	۹۰/۸	۰/۶۱	۱۶	۱۹۳۰		
۱/۱			۰/۲۶	۹۱/۹	۱/۰۲	۲۴/۱	۱۹۲۰		
۰/۰۵			۰/۰۲	۴۰/۲	۰/۰۲	۰/۹۷	۱۹۱۵		
۱/۹			۰/۳۸	۶/۸	۰/۱۳	۲/۶۰	۱۸۶۸		
۳/۹			۰/۴۵	۳۵۵	۱۴	۱۵۸	۱۹۸۵	۲- انگلستان	
۲/۶			۰/۴۴	۱۰۶	۲/۸	۴۶/۴	۱۹۷۵	(ارقام به میلیارد پوند)	
۴/۳			۲/۱۶	۹/۹	۰/۴	۲۱/۴	۱۹۴۵		
۶/۳			۱/۵۵	۴/۹	۰/۳	۷/۶	۱۹۲۵		
۰/۶			۰/۳۳	۳/۳	۰	۱/۱	۱۹۱۵		
۷/۵			۲	۰/۴	۰	۰/۸	۱۸۱۸		

خارجی این کشور ۲۵۰ میلیارد دلار می‌شود.<sup>۶</sup> در مقابل در کشورهای در حال توسعه، رقم مربوط به استقراض خارجی قابل توجه و چشمگیر است. برای مثال کل بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه در پایان سال ۱۹۸۸ معادل ۱۳۲۰ میلیارد دلار است که این رقم حدود نصف کل تولید ناخالص ملی این کشورها را تشکیل می‌دهد. رقم کل بدهی خارجی این کشورها در سال ۱۹۸۷، ۱۲۸۱ میلیارد دلار بوده که این رقم نسبت به سال ۱۹۸۶ از نرخ رشدی معادل ۱۱ درصد برخوردار بوده است. با مقایسه ارقام بدهی خارجی این کشورها در فاصله سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ مشاهده می‌شود که نرخ رشد این بدهی‌ها در این فاصله ۳ درصد بوده است که در مقایسه با رقم مشابه سال قبل (۱۱ درصد) می‌توان گفت که نرخ رشد بدهی‌های خارجی کشورهای در حال توسعه در سالهای اخیر با کاهش همراه بوده است.<sup>۷</sup> در میان

اقتصادی مکتب طرفدار قرضه، بدهی ملی کشور در دهه ۱۹۸۰ و مخصوصاً در سال ۱۹۸۸ به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. البته باید توجه داشت که معمولاً در کشورهای پیشرفته رقم عمده استقراض مربوط به استقراض داخلی است، در حالیکه در کشورهای در حال توسعه در اغلب مواقع رقم عمده استقراض این کشورها از نوع قرضه خارجی می‌باشد.<sup>۴</sup> برای مثال در آمریکا با وجودیکه کل بدهی ملی این کشور در طول زمان افزایش یافته است.<sup>۵</sup> ولی از کل بدهی آن رقمی معادل ۱۰ درصد مربوط به استقراض خارجی بوده است و باقیمانده آن (۹۰ درصد) مربوط به بدهی دولت به آمریکائیان (داخلی) می‌باشد. البته باید اضافه کرد که رقم استقراض خارجی این کشور در اواخر دهه ۱۹۸۰ با افزایش قابل توجهی مواجه بوده است بطوریکه اقتصاددانان پیش بینی می‌کنند در پایان دهه ۱۹۸۰ بدهی

۴ - البته باید افزود که در برخی از کشورهای در حال توسعه مانند کشور خودمان با وجودیکه رقم عمده استقراض ملی از نوع استقراض داخلی است ولی همانطوریکه بعداً خواهیم دید استقراض داخلی ما در حقیقت استقراض از بانک مرکزی است، در حالیکه نوع استقراض داخلی کشورهای پیشرفته اغلب استقراض از مردم است. به عبارت دیگر می‌توان گفت هنوز استقراض از مردم به دلایل مختلف در کشورهای در حال توسعه رایج نیست. ۵ - در سال ۱۹۸۲ این رقم به ۱۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است.

۶ - باید گفت با وجودیکه زمانی آمریکا بزرگترین کشور بستانکار جهان و صادرکننده سرمایه بود، بدهی این کشور در پایان سال ۱۹۸۶ به رقمی معادل ۶/۵ درصد تولید ناخالص ملی این کشور بالغ می‌شود، در حالیکه در این سال، ژاپن و آلمان غربی (لوکوموتیورانان دیگر قطار اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۸۰) در ردیف مهمترین کشورهای بستانکار جهان بوده‌اند بطوریکه دارائی خالص خارجی این دو کشور به ترتیب رقمی معادل ۸/۵ و ۱۰/۵ درصد تولید ناخالص ملی آنها بوده است. رجوع شود به: World Development Report 1988, The World Bank, Oxford University press June 1988, p 17.

۷ - علت کاهش نرخ رشد بدهی به خاطر تغییر ارزش دلار (در ۹ ماه) آخر سال ۱۹۸۸ ارزش دلار در مقابل سایر ارزهای دیگر افزایش یافته لذا بدهی‌های غیردلاری با کاهش مواجه شده است، کاهش داوطلبانه بدهی‌ها از جانب کشورهای بستانکار و ایجاد منابع جدید برای کشورهای در حال توسعه بوده است برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

کشورهای بدهکار در حال توسعه دو گروه از اهمیت خاصی برخوردار می باشند. گروه اول شامل برخی از کشورهای آفریقای شمالی است که بدهی خارجی این گروه در سال ۱۹۸۸ از نرخ رشدی معادل ۶/۵٪ برخوردار بود و به ۱۳۸ میلیارد دلار رسید. گروه دوم که به بدهکارترین کشورهای جهان معروف اند، کل بدهی خارجی این گروه در سال ۱۹۸۸ بالغ بر ۵۲۹ میلیارد دلار بوده است.<sup>۸</sup> جدول ۲ میزان قرضه عمومی خارجی برخی از کشورهای در حال توسعه و اهمیت بدهی خارجی این کشورها همراه با خدمات مربوط به بدهی را نسبت به تولید ناخالص ملی در فاصله سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۷۰ نشان می دهد.<sup>۹</sup> همانطور که ارقام این جدول نشان می دهند میزان و اهمیت استقراض خارجی در فاصله سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۷۰ در همه این کشورها مخصوصاً در کشورهای عضو گروه ۱۷ شدت افزایش یافته است. معیارهای اندازه گیری بار ناشی از استقراض در ارتباط با اندازه گیری اهمیت بار ناشی

از بدهی ملی راههای مختلفی وجود دارد که در این قسمت به آنها اشاره می کنیم:

#### الف - حجم مطلق بدهی

یکی از راههای اندازه گیری بار ناشی از دیون ملی این است که میزان کل استقراض را به صورت مطلق و بدون توجه به متغیر اقتصادی دیگر محاسبه نمود. برای مثال در جدول یک ارقام کل بدهی آمریکا و انگلستان به ترتیب به میلیارد دلار و به میلیارد پوند برآورده شده است. همچنین در جدول ۲ نیز میزان کل بدهی خارجی برخی از کشورها به طور مطلق مشخص شده است. بنابراین در این روش می توان رقم کل بدهی ملی و همچنین بدهی خارجی هر کشور و یا هر منطقه را به یک واحد پولی (به میلیون دلار) محاسبه نمود. برای مثال حجم مطلق بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه با توجه به منطقه جغرافیایی در جهان در فاصله سالهای ۱۹۸۸ - ۱۹۷۹ در جدول سه نشان داده شده است.<sup>۱۰</sup>

با توجه به اینکه در ارتباط با استقراض ملی آنچه که در حقیقت در هر سال بار تلقی

- ۸ - این گروه که به گروه ۱۷ نیز معروف است شامل این کشورها می باشد: آرژانتین - بولیوی - برزیل - شیلی - کلمبیا - کاستاریکا - آوری - اکوادور - جامائیکا - مکزیک - مراکش - نیجریه - پرو - فیلیپین - اوروگوئه - ونزوئلا و یوگسلاوی.
- ۹ - باید توجه داشت که در تنظیم این جدول، ارقام بدهی و همچنین ارقام تولید ناخالص ملی براساس نرخ رسمی ارز در این کشورها به دلار تبدیل شده است.
- ۱۰ - ارقام مربوط به بدهی خارجی مربوط به کل کشورها بدون توجه به بدهی این کشورها به صندوق بین المللی پول نشان می دهد که با وجودیکه میزان بدهی بصورت مطلق در سالهای اخیر افزایش یافته است ولی نرخ آن مخصوصاً از سال ۱۹۸۶ به بعد کاهش یافته است.

جدول ۲- قرضه عمومی خارجی و بهره آن و اهمیت نسبی آنها در تولید ناخالص ملی کشورهای  
۱۹۷۰ - ۱۹۸۶

نسبت خدمات بدهی خارجی به تولید ناخالص ملی (درصد)		نسبت کل بدهی خارجی به تولید ناخالص ملی (درصد)		کل بدهی خارجی (میلیون دلار)		کشور
۱۹۸۶	۱۹۷۰	۱۹۸۶	۱۹۷۰	۱۹۸۶	۱۹۷۰	
۱/۸	۰	۴۷/۵	۰	۷۲۸۲	۰	بنگلادش
۶/۶	۱/۱	۹۶/۸	۹/۱	۵۴۳۰	۳۱۱	زئیر
۴/۵	۰/۸	۱۰۵/۶	۱۰/۱	۲۶۳۵	۹۰	ماداگاسکار
۱/۲	۱	۱۴	۱۵	۳۱۹۱۳	۸۰۱۸	هندوستان
۰/۹	-	۶/۳	-	۱۷۱۹۳	-	چین
۸/۳	۳/۷	۲۴۰/۵	۳۵/۷	۳۵۷۵	۶۲۳	زامبیا
۳/۲	۱/۹	۳۵/۹	۳۰/۶	۱۱۷۶۴	۳۰۶۴	پاکستان
۳/۶	۲/۲	۷۰/۴	۴۷/۱	۱۴۲۱	۳۱۲	گینه
۶/۲	۰/۹	۴۴/۴	۲۵/۲	۳۱۹۰۱	۲۴۴۳	اندونزی
۵/۳	۱/۴	۶۶/۲	۸/۸	۱۹۸۲۸	۶۲۵	فیلیپین
۱۰/۲	۱/۶	۱۰۳/۹	۱۸/۲	۱۴۶۱۰	۷۱۲	مراکش
۴/۳	۴/۸	۵۶/۴	۲۲/۵	۲۲۷۸۸	۱۷۱۳	مصر
۴/۸	۰/۶	۲۷/۴	۴/۹	۱۱۰۲۳	۳۲۴	تایلند
۴/۷	۱	۳۸/۱	۸/۶	۱۴۶۳	۸۸	آل سالوادور
۲۰/۸	۱/۱	۱۴۴/۴	۱۱/۹	۲۹۹۳	۱۶۰	جامائیکا
۲	۲/۱	۴۵	۱۲/۳	۱۱۰۴۹	۸۵۶	پرو
۶	۱/۴	۴۱/۴	۱۴/۷	۲۳۳۰۹	۱۸۴۳	ترکیه
۷/۹	۱/۴	۷۳/۹	۱۱/۸	۷۹۱۹	۱۹۳	اکوادور
۵/۷	۱/۷	۳۶/۶	۱۸/۵	۱۱۴۳۷	۱۲۹۹	کلمبیا
۱۰/۹	۳	۱۰۱/۲	۲۵/۸	۱۵۱۰۹	۲۰۶۷	شیلی
۱۲/۱	۰/۹	۶۸/۹	۲۲/۹	۳۰۷۹	۱۱۹	اردن
۱/۷	۱/۷	۱۷/۷	۱۰/۸	۳۰۶۰	۲۳۲	سوریه
۳/۳	۰/۹	۳۱/۹	۸/۲	۸۲۵۲۳	۳۴۲۱	برزیل
۸/۷	۱/۷	۶۵/۷	۹/۵	۱۶۷۵۹	۳۹۰	مالزی

ادامه جدول ۲

نسبت کل بدهی خارجی به تولید ناخالص ملی (درصد)		نسبت خدمات بدهی خارجی به تولید ناخالص ملی (درصد)		کل بدهی خارجی (میلیون دلار)		کشور
۱۹۷۰	۱۹۸۶	۱۹۷۰	۱۹۸۶	۱۹۷۰	۱۹۸۶	
۶۲/۶	۹/۱	۷/۳	۲	۷۴۹۶۲	۱۳۹۶	مکزیک
۱۱/۳	۴۶/۴	۵/۶	۲/۷	۲۷۵۹	۲۶۹	اوروگوئه
۱۹/۵	۶۶/۵	۹	۳/۱	۳۴۳۹	۱۹۴	پاناما
۸/۴	۴۶/۲	۵/۵	۲/۱	۳۸۴۵۳	۱۸۸۰	آرژانتین
۲۰/۶	۳۰/۶	۷/۴	۳	۲۹۱۰۸	۱۸۴۰	کره شمالی
۱۹/۳	۲۴/۸	۸/۷	۰/۹	۱۴۷۷۷	۹۳۷	الجزایر
۶/۶	۵۰/۵	۶/۴	۰/۷	۲۴۴۸۵	۷۲۸	ونزوئلا

منبع: World Development Report 1988, ...table 19 pp 253- 60

مطلق بدهی هر اندازه که باشد نمی تواند به تنهایی موقعیت اقتصادی کشور را در ارتباط با اهمیت بدهی مشخص کند.

بدهی مطلق هیچگونه ارتباطی را با متغیرهای عمده اقتصاد کلان که بیانگر توان و ظرفیت اقتصادی کشور است، نشان نمی دهد. این معیار نمی تواند بار و اهمیت استقراض را بدقت اندازه گیری کند. بنابراین برای اندازه گیری دقیقتر اهمیت استقراض و چگونگی تغییرات آن در طول زمان، لازم است رشد استقراض با رشد متغیرهای دیگری

می شود مربوط به پرداخت خدمات استقراض ملی است<sup>۱۱</sup> بنابراین گاهی بجای حجم کل بدهی رقم مربوط به خدمات استقراض ملی و یا رقم مربوط به بهره بدهی ملی به صورت مطلق محاسبه می شود.

با وجودیکه دانستن رقم مطلق بدهی ملی و بدهی خارجی و همچنین اطلاعات مربوط به خدمات استقراض ملی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است ولی این اطلاعات بهیچوجه نمی توانند از چگونگی بار تحمل ناشی از استقراض تحلیل دقیقی ارائه دهند. زیرا رقم

11 - Debt service

منظور از خدمات بدهی (استقراض) در حقیقت مجموع بهره (interest) و پرداخت اصل بدهی (استهلاک) (Amortization) در یک دوره حسابداری (معمولاً سالانه) می باشد. باید توجه داشت که در تنظیم این جدول، ارقام بدهی و همچنین ارقام ناخالص ملی بر اساس نرخ رسمی ارز در این کشورها به دلار تبدیل شده است.

رشد استقراض بیش از رشد تولید ناخالص ملی باشد، اهمیت نسبی و بار استقراض افزایش یافته است و این امر باید باعث نگرانی شود.

در اقتصاد، مانند جمعیت و تولید ناخالص ملی مقایسه شود. برای مثال چنانچه استقراض افزایش یابد ولی رشد آن در مقایسه با رشد تولید ناخالص ملی ناچیز باشد، اهمیت نسبی استقراض کاهش یافته است و برعکس چنانچه

جدول ۳- بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه با توجه به منطقه جغرافیایی در جهان ۱۹۷۹-۱۹۸۸ (به میلیارد دلار)

سال	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸
کل کشورها	۵۳۳/۹	۶۳۴/۱	۷۴۸	۸۴۸/۵	۹۰۰	۹۴۹	۱۰۱۸/۸	۱۱۱۳/۵	۱۲۱۰/۹	۱۲۴۷/۸
۱- آفریقا	۸۶/۱	۹۸/۴	۱۰۹/۱	۱۲۲/۳	۱۳۰/۸	۱۳۲/۹	۱۴۳/۲	۱۶۱/۳	۱۷۹	۱۸۵
۲- آسیا	۱۱۳/۶	۱۳۶/۸	۱۵۸/۷	۱۸۳/۹	۲۰۴/۴	۲۱۸/۹	۲۴۶/۵	۲۶۸/۸	۲۹۳	۳۰۴/۶
۳- اروپا	۸۱	۹۳/۶	۱۰۲	۱۰۶/۸	۱۰۷/۴	۱۱۱/۹	۱۲۷/۳	۱۴۵/۳	۱۵۴	۱۵۶/۸
۴- خاورمیانه	۶۵/۲	۷۴/۱	۹۰/۵	۱۰۲/۸	۱۱۳/۲	۱۲۳	۱۳۰/۶	۱۴۶/۷	۱۶۳/۹	۱۶۸/۲
۵- نیمکره غربی	۲۳۱/۲	۲۸۷/۸	۳۳۲/۸	۳۳۲/۸	۲۴۴/۳	۳۶۲/۳	۳۷۱/۲	۳۹۱/۴	۴۲۱	۴۳۳/۳

ارقام این جدول شامل بدهی این کشورها به صندوق بین المللی پول نمی باشد.

منبع: External debt, the International working group on external debt statistics, paris, 1988, p82.

### ب - استقراض ملی سرانه

می باشد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ بدهی ملی سرانه در آمریکا بیش از ۵۰۰۰ دلار بود. به عبارت دیگر در اوایل این دهه هر آمریکایی (مرد-زن-جوان-پیر-کودک) بیش از ۵۰۰۰ دلار استقراض ملی داشته است.<sup>۱۲</sup>

در این معیار ارتباط بین حجم بدهی ملی با جمعیت بررسی می شود. و می توان نسبت حجم کل بدهی ملی به جمعیت که همان استقراض ملی سرانه است را اندازه گیری نمود. این معیار شبیه بدهی افراد خصوصی

۱۲ - با توجه به اینکه بر اساس اطلاعات مربوط به جدول (۱) کل بدهی دولت مرکزی آمریکا در سال ۱۹۸۸ بالغ بر ۱۹۷۰ میلیارد دلار می باشد و با توجه به اینکه جمعیت این کشور در اواسط سال ۱۹۸۶ معادل ۲۴۱/۶ میلیون نفر تخمین زده شده است، در اینصورت با فرض اینکه حتی جمعیت این کشور در سال ۱۹۸۸ معادل ۲۵۰ میلیون نفر نیز باشد (نرخ رشد جمعیتی بیش از ۲ درصد) بدهی سرانه استقراض ملی این کشور در سال ۱۹۸۸ بیش از ۷۱۶۰ دلار  $\frac{۱۷۹۰۰۰۰}{۲۵۰}$  برآورد می شود.

همچنین با توجه به اینکه میزان کل استقراض خارجی این کشور در پایان دهه ۱۹۸۰ در حدود ۷۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است، می توان گفت که بدهی سرانه استقراض خارجی به تنهایی در این کشور در پایان دهه ۱۹۸۰ معادل ۳۰۰۰ دلار برآورد می شود.



می دهد.

با توجه به اینکه با افزایش جمعیت، بدهی سرانه کاهش می یابد، ممکن است این معیار در ارتباط بار ناشی از استقراض نتایج چندان دقیقی نداشته باشد. به عبارت دیگر با وجودیکه با افزایش جمعیت اگر رشد جمعیت بیش از رشد استقراض باشد، بدهی سرانه

همچنین می توان بجای کل استقراض ملی سرانه، استقراض خارجی سرانه را نیز محاسبه نمود و از آن به عنوان معیاری برای اندازه گیری بار ناشی از استقراض خارجی استفاده کرد. جدول ۴ اطلاعات مربوط به استقراض خارجی به صورت سرانه را در سال ۱۹۸۶ در برخی از کشورهای جهان نشان

جدول ۴- بدهی خارجی سرانه در برخی از کشورهای جهان در سال ۱۹۸۶ (دلار)

کشور	بدهی خارجی ( میلیون دلار )	جمعیت ( میلیون نفر )	بدهی خارجی سرانه ( دلار )
مراکش	۱۴۶۱۰	۲۲/۵	۶۴۹/۳
اندونزی	۳۱۹۰۱	۱۶۶/۴	۱۹۱/۷
هندوستان	۳۱۹۱۳	۷۸۱/۴	۴۰/۸
مصر	۲۲۷۸۸	۴۹/۷	۴۵۸/۵
پرو	۱۱۰۴۹	۱۹/۸	۵۵۸
ترکیه	۲۳۳۰۹	۵۱/۵	۴۵۲/۶
کلمبیا	۱۱۴۳۷	۲۹	۳۹۴/۴
شیلی	۱۵۱۰۹	۱۲/۲	۱۲۳۸/۴
اردن	۳۰۷۹	۳/۶	۸۵۵/۳
سوریه	۳۰۶۰	۱۰/۸	۲۸۳/۳
برزیل	۸۲۵۲۳	۱۳۸/۴	۵۹۶/۳
مکزیک	۷۴۹۶۲	۸۰/۲	۹۳۴/۷
پاناما	۳۴۳۹	۲/۲	۱۲۴۰/۲
آرژانتین	۳۸۴۵۳	۳۱	۱۲۴۰/۴
کره شمالی	۲۹۱۰۸	۴۱/۵	۷۰۱/۴
ونزوئلا	۲۴۴۸۵	۱۷/۸	۱۳۷۵/۶

برآورد جمعیت مربوط به اواسط سال ۱۹۸۶ می باشد.

منابع: برای بدهی خارجی رجوع شود به جدول شماره (۲) و برای جمعیت رجوع شود به:

البته باید اضافه نمود با وجودی که هرچه این نسبت کمتر باشد دلالت دارد بر کاهش اهمیت نسبی استقراض در اقتصاد کلان و می‌تواند مشکلات کمتری در توانایی بازپرداخت استقراض ملی ایجاد کند ولی برای بررسی دقیق اثرات اقتصادی لازم است اهمیت سهم استقراض در تأمین مالی مخارج وکل درآمدهای عمومی دولت و همچنین نوع استقراض و شرایط اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرند.

د- سهم پرداخت خدمات بدهی ملی و یا بهره در کل استقراض

یکی از مشخصات استقراض عمومی این است که دولت مجبور نیست قرضه را پرداخت کند و درمقابل می‌تواند در سررسید بدهی‌ها به انتشار قرضه جدید اقدام نماید و از وجوه بدست آمده، بدهی‌های قبلی خود را بازپرداخت کند. بنابراین اگر این موضوع مورد توجه قرار گیرد، در اینصورت می‌توان گفت که بار عمده و اصلی استقراض در حقیقت بهره پرداختی بابت استقراض می‌باشد لذا در این معیار نسبت بهره استقراض ملی به تولید ناخالص یا درآمد ملی محاسبه می‌شود. همچنین می‌توان علاوه بر بهره پرداختی سالانه، باز پرداخت سالیانه اصل بدهی را نیز در نظر گرفت و نسبت مجموع بهره و بازپرداخت سالیانه (پرداخت خدمات بدهی) را به تولید ناخالص و یا درآمد ملی محاسبه نمود. از نظر ریاضی این نسبت به مراتب

کاهش می‌یابد ولی این امر بدان معنی نخواهد بود که بار اقتصادی ناشی از استقراض کاهش یافته است زیرا این معیار بهیچوجه به متغیرهای اقتصادی، مانند تولید ناخالص و یا درآمد ملی که در حقیقت امکان بازپرداخت قرضه را بوجود می‌آورند، توجهی نمی‌کند.

ج- سهم بدهی ملی در تولید ناخالص ملی یکی دیگر از معیارهای نسبتاً مناسبی که می‌تواند در ارتباط با بررسی بار و اهمیت استقراض ملی مورد استفاده قرار گیرد در حقیقت محاسبه سهم کل استقراض ملی (داخلی و خارجی) در تولید ناخالص ملی (یاداخلی) و یا در درآمد ملی کشور است. این معیار با توجه به اینکه ارتباط بین استقراض و مهمترین شاخص ظرفیت اقتصادی در سطح کلان را مورد توجه قرار می‌دهد می‌تواند به نحوی رابطه بین قرضه و چگونگی امکان بازپرداخت آنرا نشان دهد. بنابراین همین معیار تا اندازه‌ای می‌تواند ظرفیت تحمل بدهی را نیز بنمایاند. ارقام مربوط به این نسبت در کشورهای مختلف جهان در جداول یک و دو نشان داده شده است. علاوه بر این باید توجه نمود که این معیار می‌تواند تا اندازه‌ای مشکلات ناشی از تغییرات ارزش زمانی پول را تقلیل دهد. علت این امر این است که صورت و مخارج کسر نسبت بدهی به تولید ناخالص ملی هر دو به قیمت‌های جاری محاسبه می‌شوند.

نسبت پرداختی بابت خدمات بدهی ملی (بهره + استهلاک سالیانه) به صادرات کالا و خدمات می‌تواند چگونگی توانایی بازپرداخت استقراض خارجی را بهتر اندازه‌گیری کند. باید توجه داشت که هرچه سهم این نسبت بیشتر باشد، در این صورت بار ناشی از استقراض بر کشور بدهکار بیشتر خواهد بود. در سالهای اخیر همانگونه که پیش از این نیز گفته شد تعداد زیادی از کشورهای بدهکار کوشیده‌اند با افزایش اجباری در درآمدهای صادراتی خود از طریق کاهش مصرف و در نتیجه پائین آوردن سطح زندگی و رفاه اقتصادی در کشور خود، تا اندازه‌ای فشار ناشی از بار استقراض خارجی را تخفیف دهند.

کوچکتر از نسبت کل بدهی ملی به تولید ناخالص ملی است. این نسبت را می‌توان برای استقراض خارجی نیز با توجه به اهمیت آن به صورت جداگانه محاسبه نمود. در جداول یک و دو این معیار نیز برای کشورهای مختلف محاسبه شده است. با توجه به اینکه در محاسبه این معیار باید نرخ بهره سالیانه و مدت بدهی نیز مدنظر قرار گیرد، این معیار می‌تواند به نحوی اهمیت استقراض ملی و بارناشی از آن را برآورد نماید.

ه - سهم پرداخت خدمات بدهی ملی در صادرات کالا و خدمات

با توجه به اینکه استقراض ملی - مخصوصاً استقراض خارجی - عمدتاً از طریق درآمدهای ناشی از صادرات کالا و خدمات تأمین مالی می‌شود، لذا بجای معیار قبلی،

جدول ۵ - پرداختن بابت خدمات دیون خارجی نسبت به صادرات کالا و خدمات در کشورهای مختلف

جهان (درصد) ۱۹۸۶ - ۱۹۷۰

کشور	۱۹۷۰	۱۹۸۶	کشور	۱۹۷۰	۱۹۸۶
بنگلادش	۰	۲۵/۱	پرو	۱۱/۶	۱۴/۴
هندوستان	۲۵/۸	۱۷/۹	کلمبیا	۱۱/۷	۲۷/۶
چین	-	۷/۸	شیلی	۱۹/۱	۳۰/۸
پاکستان	۲۳/۶	۲۶/۸	ونزوئلا	۲/۹	۲۷/۷
فیلیپین	۷/۵	۱۸/۳	برزیل	۱۲/۵	۳۳/۲
مراکش	۸/۷	۴۰/۴	مکزیک	۲۳/۶	۳۶/۸
مصر	۳۸	۲۱/۳	آرژانتین	۲۱/۶	۵۲/۲
تایلند	۳/۳	۱۶/۱	الجزایر	۳/۹	۵۴/۸
ترکیه	۲۲	۳۱/۳			

World development report, 1988, ..., table 19 pp 258-9.

منبع: رجوع شود به:

با توجه به اهمیت بیشتر استقراض خارجی در مجموع می‌توان گفت برای اندازه‌گیری بار ناشی از این نوع استقراض سه معیار زیر از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند:

۱ - نسبت دیون خارجی به صادرات کالاها و خدمات

۲ - نسبت دیون خارجی به تولید ناخالص داخلی

۳ - نسبت پرداختی بابت خدمات دیون به صادرات کالاها و خدمات

جدول ۶ - معیارهای اندازه‌گیری بار دیون خارجی (بدهکارترین ۱۵ کشور جهان)

سال	نسبت دیون خارجی به صادرات کالاها و خدمات	نسبت دیون خارجی به تولید ناخالص داخلی	نسبت خدمات دیون به صادرات کالا و خدمات
۱۹۸۰	۱۶۹/۴	۳۳/۵	۳۱/۲
۱۹۸۱	۲۰۵	۳۸/۱	۴۶/۳
۱۹۸۲	۲۷۱/۷	۴۱/۶	۵۲/۱
۱۹۸۳	۲۹۹/۸	۴۷/۶	۴۲/۵
۱۹۸۴	۲۸۰/۳	۴۸/۴	۴۲/۷
۱۹۸۵	۳۰۰/۵	۴۷/۹	۴۲/۱
۱۹۸۶	۳۶۴/۱	۴۷/۱	۴۸/۸
۱۹۸۷	۳۵۷/۳	۴۶/۱	۳۹/۷
۱۹۸۸	۳۰۵/۵	۴۱/۳	۴۶/۴

\* ارقام در حقیقت میانگین مربوط به معیارهای مختلف برای ۱۵ کشور می‌باشند.

IMF survey, International Monetary Fund, 30, 1989 p 323.

منبع: رجوع شود به:

۱۳ - این کشورها عبارتند از: آرژانتین - بولیوی - برزیل - شیلی - کلمبیا - آیری - اکوادور - مکزیک - مراکش - نیجریه - پرو - فیلیپین - اروگوئه - ونزوئلا و یوگسلاوی.

قابل توجه استقراض ملی در کشورمان را به خود اختصاص داده است.<sup>۱۴</sup> و ثانیاً نوع استقراض داخلی در ایران در حقیقت استقراض دولت از بانک مرکزی بوده است برای تجزیه و تحلیل بار ناشی از استقراض ملی در کشورمان می توان سهم استقراض ملی نسبت به تولید ناخالص داخلی را محاسبه نمود. این معیار با توجه به اینکه در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۶۶ سهم استقراض خارجی در کشورمان بسیار ناچیز بوده است می تواند معیار مناسبی برای اندازه گیری بار استقراض در کشور ما باشد جدول ۸ اطلاعات مربوط به بار ناشی از استقراض ملی را در سالهای مورد نظر نشان می دهد. با توجه به اطلاعات جدول ۷ استقراض ملی در ایران ۱۳۵۲-۱۳۶۶ (میلیارد ریال)

سال	استقراض داخلی	استقراض خارجی	استقراض ملی
۱۳۵۲	۹۴/۳	۱۵/۷	۱۱۰
۱۳۵۳	۳۰	۹/۵	۳۹/۵
۱۳۵۴	۱۰	۶/۱	۱۶/۱
۱۳۵۵	۰	۲۵/۴	۳۷۹/۴
۱۳۵۶	۳۵۰	۲۹/۴	۳۷۹/۴
۱۳۵۷	۲۵۰	۰/۸	۲۵۰/۸
۱۳۵۸	۳۵۰	۲/۴	۳۵۲/۴
۱۳۵۹	۶۸۸/۶	—	۶۸۸/۶
۱۳۶۰	۷۷۹/۱	—	۷۷۹/۱
۱۳۶۱	۵۶۷/۲	—	۵۶۷/۲
۱۳۶۲	۶۹۵/۳	—	۶۹۵/۳
۱۳۶۳	۳۶۴/۷	—	۳۶۴/۷
۱۳۶۴	۲۲۵	—	۲۲۵
۱۳۶۵	۱۲۸۴	—	۱۲۸۴
۱۳۶۶	۱۲۷۵	—	۱۲۷۵

منبع: حسابهای ملی ایران ۵۶-۱۳۳۸ بانک مرکزی ایران ۱۳۶۰ - ترازنامه بانک مرکزی ایران سالهای مختلف و سالنامه آماری ۱۳۶۷ - مرکز آمار ایران

۱۴ - در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی سهم استقراض خارجی در استقراض ملی کشورمان صفر بوده است.

موجود در جدول ۸ مشاهده می شود که در فاصله سالهای ۱۳۶۶-۱۳۵۲ سهم استقراض ملی از تولید ناخالص داخلی کشورمان هیچگاه از ۱۰ درصد تجاوز نکرده است بنابراین در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه در ابتدا ممکن است اهمیت و در نتیجه اثرات

اقتصادی استقراض ملی در ایران را بسیار ناچیز دانست.<sup>۱۵</sup> اما با مطالعه دقیقتر در ارتباط با وضعیت کسری بودجه دولت و سهم استقراض از بانک مرکزی و همچنین سهم کسری بودجه نسبت به درآمد دولت در فاصله سالهای ۶۶-۱۳۵۷ که در جدول ۹ آمده

جدول ۸ اهمیت بار استقراض ملی در ایران ۱۳۶۶-۱۳۵۲

سال	استقراض ملی (میلیارد ریال)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)	استقراض ملی (درصد)
۱۳۵۲	۱۱۰	۱۷۶۳/۸	۶/۲
۱۳۵۳	۳۹/۵	۳۰۸۹/۹	۱/۳
۱۳۵۴	۱۶/۱	۳۵۱۲/۱	۰/۴۶
۱۳۵۵	۲۵/۴	۴۶۹۶/۹	۰/۵۴
۱۳۵۶	۳۷۹/۴	۵۵۸۱/۲	۶/۸
۱۳۵۷	۲۵۰/۸	۵۵۲۹/۶	۴/۵
۱۳۵۸	۳۵۲/۴	۶۳۳۵/۳	۵/۶
۱۳۵۹	۶۸۸/۶	۶۹۲۶	۹/۹
۱۳۶۰	۷۷۹/۱	۸۳۲۲/۹	۹/۴
۱۳۶۱	۵۶۷/۲	۱۰۷۵۶/۳	۵/۳
۱۳۶۲	۶۹۵/۳	۱۳۷۴۹/۵	۵/۱
۱۳۶۳	۳۶۴/۷	۱۵۰۲۹/۶	۲/۴
۱۳۶۴	۲۲۵	۱۵۳۰۵/۸	۱/۷
۱۳۶۵	۱۲۸۴	۱۶۱۲۱/۷	۸
۱۳۶۶	۱۲۷۵	۲۱۲۷۰/۴	۶

منبع: رجوع شود جدول ۷ و برآورد تولید و هزینه ملی کشور در سال ۶۵ بانک مرکزی ایران - اداره بررسی های اقتصادی.

۱۵ - همچنین بر اساس معیار استقراض ملی سرانه با توجه به اینکه در سال ۱۳۶۵ (معادل ۱۹۸۶ میلادی) جمعیت کشورمان حدود ۴۵/۶ میلیون نفر برآورد شده است، لذا استقراض ملی سرانه در کشورمان در این سال برابر با ۲۸۱۵۸ ریال بوده است که این رقم نیز در مقایسه با استقراض خارجی سرانه در سایر کشورهای جهان که در جدول (۴) آمده است نسبتاً ناچیز می باشد.

است، مشاهده می شود که در مقایسه با درآمد دولت، کسری بودجه دولت سهم قابل توجهی را نشان می دهد. برای مثال در سال ۱۳۶۵ نسبت کسری بودجه درآمدهای دولت به ۶۵/۸ درصد رسیده است. همچنین اطلاعات موجود در این جدول نشان می دهد که استقراض از بانک مرکزی در حقیقت مهمترین روش تأمین مالی کسری بودجه دولت در اقتصاد ایران بوده است. برای مثال در سال ۱۳۶۶ دولت تقریباً ۹۵ درصد از کسری بودجه خود را از طریق استقراض از بانک مرکزی جبران کرده است.

جدول ۹ - سهم کسری بودجه نسبت به درآمدهای دولت و سهم استقراض از بانک مرکزی برای تأمین مالی کسری در سالهای ۹۶-۱۳۵۷

سال	کسری بودجه (۱) (میلیارد ریال)	استقراض از بانک مرکزی (۲) (میلیارد ریال)	درآمد دولت (۳) (میلیارد ریال)	نسبت (۱) نسبت (۲)	نسبت (۱) نسبت (۳)
۱۳۵۷	۶۰۸/۹	۲۵۰	۱۵۹۸/۹	۴۱/۱	۳۸/۱
۱۳۵۸	۵۲۸/۳	۳۵۰	۱۶۹۹/۷	۶۶/۳	۳۱/۱
۱۳۵۹	۹۷۲/۵	۶۸۸/۶	۱۳۲۵/۱	۷۰/۸	۷۳/۴
۱۳۶۰	۹۳۷	۷۷۹/۱	۱۶۵۱/۶	۸۳/۱	۵۶/۷
۱۳۶۱	۷۷۵/۷	۵۶۷/۲	۲۵۹۱	۷۳/۱	۲۹/۹
۱۳۶۲	۱۰۷۲/۲	۶۹۵/۳	۲۸۲۲/۷	۶۴/۹	۳۸
۱۳۶۳	۷۱۸	۳۶۴/۷	۲۹۱۳/۵	۵۰/۸	۲۴/۶
۱۳۶۴	۶۲۱/۹	۲۵۵	۲۹۹۳/۷	۴۱	۲۰/۸
۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۲۸۴	۲۰۹۰/۷	۹۳/۴	۶۵/۸
۱۳۶۶	۱۳۴۵	۱۲۷۵	۲۶۲۵/۸	۹۴/۸	۵۱/۲

\* ارقام به صورت قطعی و به قیمت جاری می باشند.

منبع: ترازنامه و گزارش سالانه بانک مرکزی ایران سالهای مختلف و سالنامه آماری سال ۱۳۶۷ مرکز آمار ایران.

یک برنامه ریزی صحیح در رابطه با افزایش سهم درآمدهای خود و مخصوصاً مالیاتها از یک طرف و تأکید بر مخارج سرمایه گذاری از طرف دیگر وابستگی شدید خود به استقراض از بانک مرکزی را تخفیف دهد و از این طریق بتواند در انجام وظایف اقتصادی خود بهتر عمل نماید.

### مقایسه استقراض با سایر راههای دیگر تأمین مالی مخارج دولت

در اقتصاد بخش عمومی، بطور کلی می توان گفت هنگامیکه درآمدهای دولت کمتر از مخارج وی باشد، در اینصورت دولت می تواند کسری در بودجه خود و کمبود درآمد را از طریق یکی از راههای زیر تأمین کند:

- ۱ - افزایش مالیات و سایر درآمدهای عمومی دولت
  - ۲ - استقراض از مردم
  - ۳ - استقراض از سیستم بانکی و بانک مرکزی
  - ۴ - استقراض خارجی
- به عبارت دیگر دولت می تواند از طریق استقراض - داخلی و یا خارجی - کمبود

درآمد خود را جبران کند. یکی از تفاوت های اساسی که بین مالیات و قرضه وجود دارد این است که تأمین مالی کمبود درآمد از طریق مالیات در حقیقت یک سیاست مالی خالص<sup>۱۶</sup> است. به عبارت دیگر هنگامیکه دولت کسری بودجه خود را از طریق مالیات تأمین مالی می نماید، در اینصورت هیچگونه افزایشی در نقدینگی و حجم پول در گردش به وجود نمی آید، در حالیکه اگر چه کسری بودجه از طریق استقراض، تأمین مالی شود بدون توجه به انواع مختلف استقراض، تغییراتی در حجم پول در گردش (معمولاً افزایش) مشاهده می شود. بنابراین تأمین مالی کسری بودجه از طریق استقراض نمی تواند یک سیاست مالی خالص تلقی شود.<sup>۱۷</sup>

این وضعیت را می توان با استفاده از نمودارهای معروف LM و IS (نمودار شماره یک) تشریح نمود.<sup>۱۸</sup>

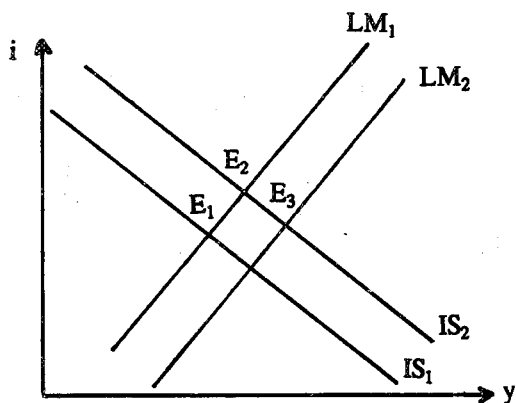
بدین معنی که  $E_1$  تعادل در دو بازار کالا و پول را در وضعیت اولیه نشان می دهد. با افزایش مخارج دولت «با فرض اینکه تعادل

#### 16 - pure fiscal policy

۱۷ - به عبارت دیگر در این حالت ترکیبی از سیاست پولی بصورت همزمان صورت می گیرد چنانچه در بودجه دولت تعادل وجود داشته باشد ولی مقامات پولی بخواهند خرید یا فروش اوراق قرضه حجم پول در گردش را تحت تأثیر قرار دهند این سیاست که به عملیات بازار آزاد (Open market operations) معروف است در حقیقت یک سیاست پولی خالص (Pure monetary policy) می باشد.

۱۸ - برای اطلاعات بیشتر در رابطه با نمودارهای IS و LM خوانندگان عزیز می توانند به کتابهای اقتصاد کلان مراجعه نمایند. برای مثال رجوع شود به «نظریه و مسائل اقتصاد کلان» ترجمه احمد جعفری صمیمی، انتشارات دانشگاه مازندران، چاپ دوم، تابستان ۱۳۶۸ فصول ۱۱، ۱۴، ۱۶.

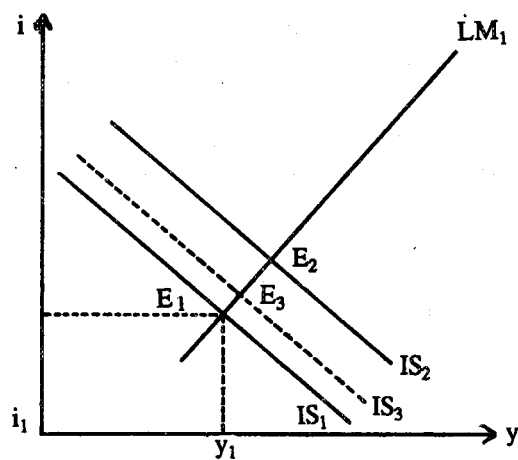




نمودار شماره دو

بدین معنی که با افزایش مخارج دولت ابتدا مانند حالت قبل نقطه تعادل از  $E_1$  به  $E_2$  تغییر می‌یابد و سپس به علت افزایش حجم پول نقطه تعادل در کوتاه مدت از  $E_2$  به  $E_3$  خواهد رسید. همانطوریکه در نمودار می‌بینیم اثرات انبساطی روش تأمین مالی مخارج دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی بر تقاضای کل بسیار زیاد است و می‌تواند در تشدید تورم نقش قابل توجهی داشته باشد. زیرا در این حالت با افزایش مخارج دولت و در نتیجه افزایش تقاضای کل نه تنها تقاضای بخش خصوصی با کاهش مواجه نمی‌شود بلکه با افزایش حجم پول افزایش تقاضای کل با شدت بیشتری افزایش می‌یابد. تحلیل مشابهی نیز می‌توان در حالتی

در بودجه دولت وجود داشته باشد» در اینصورت منحنی  $IS_1$  به طرف راست منتقل می‌شود و به  $IS_2$  می‌رسد. با افزایش مالیاتها، منحنی  $IS_2$  به طرف چپ حرکت خواهد کرد و به صورت  $IS_3$  تبدیل خواهد شد که در این حالت نقطه  $E_3$  وضعیت تعادل همزمان در دو بازار کالا و پول را نشان می‌دهد.<sup>۱۹</sup>



نمودار شماره یک

در مقابل اگر افزایش مخارج دولت و کسری بودجه ناشی از آن، از طریق افزایش عرضه پول به کمک بانک مرکزی تأمین مالی شود، منحنی LM نیز به علت افزایش عرضه پول به طرف راست حرکت خواهد کرد. به عبارت دیگر این روش تأمین مالی مخارج دولت و تأمین مالی کسری بودجه را می‌توان به صورت شکل نمودار شماره دو نمایش داد.

۱۹ - باید توجه داشت که اثر تأمین مالی مخارج دولت از طریق مالیاتها بر روی تقاضای کل دارای اثر خنثی نخواهد بود. به عبارت دیگر با توجه به «قضیه بودجه متوازن» اثر مخارج قوی‌تر از اثر مالیاتها می‌باشد و بنابراین افزایش مخارج دولت و افزایش مساوی در مالیاتها باعث افزایش تقاضای کل می‌شود.

که مخارج دولت و کسری بودجه از طریق استقراض از مردم به صورت فروش اوراق قرضه تأمین مالی می شود ارائه داد. در این حالت باید توجه داشت که با افزایش مخارج دولت و در نتیجه افزایش تقاضای کل نه تنها تقاضای بخش خصوصی با کاهش مواجه نمی شود بلکه با افزایش حجم پول افزایش تقاضای کل با شدت بیشتری افزایش می یابد. تحلیل مشابهی نیز می توان در حالتی که مخارج دولت و کسری بودجه از طریق استقراض از مردم به صورت فروش اوراق قرضه تأمین مالی می شود ارائه داد. در این حالت باید توجه داشت که با افزایش مخارج دولت و در نتیجه افزایش تقاضای کل، کاهش در قدرت خرید و نقدینگی بخشی خصوصی بوجود می آید ولی در این حالت باید به این نکته نیز توجه داشت که در یک دوره دراز مدت به علت اثر ثروت ایجاد شده در رابطه با خرید اوراق قرضه توسط بخش خصوصی، مخارج مصرفی این بخش افزایش می یابد و این امر به نوبه خود باعث افزایش در تقاضای کل نیز خواهد شد.

در مجموع باید گفت استفاده از سیاست کسری بودجه می تواند در بسیج منابع و رشد اقتصادی کشور کمک نماید. به عبارت دیگر اگر دولت در نتیجه افزایش مخارج خود در زیربنای اقتصادی مانند حمل و نقل، نیرو، آب و غیره به سیاست کسری بودجه متوسل شود، از یکطرف این مخارج سرمایه گذاری

در دراز مدت می تواند به افزایش تولید و رشد اقتصادی کمک کند و از طرف دیگر به علت ایجاد صرفه جویی های خارجی می تواند باعث تشویق سرمایه گذاری بخش خصوصی نیز بشود. اما باید توجه داشت که چون اغلب در نتیجه تأمین مالی کسری بودجه، حجم پول در گردش نیز افزایش می یابد بدون اینکه این وضعیت با افزایش در عرضه کالاها و خدمات در کوتاه مدت همراه باشد، می توان گفت که این نوع تأمین مالی در تشدید تورم در کوتاه مدت کمک می نماید اثر اقتصادی تأمین مالی کسری بودجه در درازمدت به بازدهی مخارج سرمایه گذاری دولت و موفقیت این سرمایه گذاریها بستگی خواهد داشت. به عبارت دیگر چنانچه میزان کسری بودجه بوجود آمده ملایم و قابل کنترل باشد و قیمت کالاها و مواد خام اولیه بصورت مؤثر قابل کنترل باشد و چنانچه بخش مهمی از مخارج دولت در طرحهایی خرج گردد که فوراً به بازدهی منجر شود، در اینصورت می توان تا اندازه ای فشار تورمی ممکنه را کاهش داد. اما انجام این شروط اغلب امکان پذیر نیست بنابراین معمولاً همراه با سیاست کسری بودجه، شاهد ایجاد اثرات نامطلوب اقتصادی نیز خواهیم بود.

نکته حائز اهمیت که در ارتباط با مقایسه مالیات و قرضه باید مورد توجه قرار گیرد این است که هنگامی که دولت از طریق قرضه بخواند کسری بودجه خود را تأمین

دارندگان اوراق قرضه نیز باری تحمل نمی‌کنند و نفعی نیز نخواهند برد. آنها در زمان سررسید اوراق قرضه، در حقیقت یک نوع دارایی (اوراق قرضه) را به نوع دیگر دارایی (پول) تبدیل می‌نمایند.<sup>۲۱</sup> در مقابل در زمان آینده با توجه به اینکه بازپرداخت استقراض از طریق پرداخت مالیات صورت می‌گیرد، مالیات دهندگان زبانی را متحمل می‌شوند. بنابراین با توجه به اینکه دارندگان اوراق قرضه نفعی نصیبشان نمی‌شود ولی مالیات دهندگان زبانی عایدشان می‌گردد در مجموع می‌توان گفت در مجموع استقراض باعث بوجود آوردن بارخالصی بر دوش نسلهای آینده خواهد بود.

باید اضافه کرد با وجودیکه در ارتباط با قرضه می‌توان گفت در نهایت بار استقراض توسط کسانی که در آینده مالیات پرداخت می‌نمایند تحمل می‌شود اما بررسی دقیق بارناشی از استقراض بسیار مشکل می‌باشد. اگر به جای استقراض از مالیات به منظور تأمین مالی کسری بودجه استفاده شود، در این صورت بار نهایی مالیات را می‌توان با مشکلات کمتری برآورد نمود.

یکی دیگر از تفاوت‌های موجود بین مالیات و قرضه این است که افزایش مالیات همواره با

کند علاوه بر پرداخت بابت بهره استقراض در زمان معینی در آینده باید اصل بدهی را نیز بازپرداخت نماید در حالیکه با جمع آوری مالیات، هیچگونه بازپرداختی در آینده صورت نمی‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت بارناشی از مالیات عمدتاً بر گروهها و نسل زمان دریافت مالیات سنگینی می‌کند اما بارناشی از استقراض ملی به زمانهای آینده و نسلهای آینده نیز انتقال می‌یابد.

جیمز بوکانان<sup>۲۲</sup> اقتصاددان معروف آمریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۶ گفته است که بارناشی از استقراض ملی مطمئناً به نسلهای آینده انتقال خواهد یافت.

بر اساس نظریه بوکانان، در زمان دریافت قرضه از جانب دولت هیچکس باری را تحمل نمی‌کند. زیرا افرادی که اوراق قرضه دولتی خریده‌اند، کارشان داوطلبانه بوده است و از این طریق ترجیح داده‌اند به خاطر به تعویق انداختن مصرف برای مصرف آینده پاداشی نیز به صورت بهره دریافت کنند. به عبارت دیگر دارندگان اوراق قرضه ترجیح می‌دهند بجای مصرف حال، اوراق قرضه دولتی نگهداری نمایند. در آینده یعنی هنگامیکه زمان بازپرداخت قرضه فرا می‌رسد

20 - James M. Buchanan, "Public principles of Public Debt" Homewood, Richard, D. Irwin INC, Chicago 1958.

۲۱ - اوراق قرضه شبه پول (near money) در حالیکه پول در حقیقت نقدینه کامل یا (perfect liquid) می‌باشد. علاوه بر پول و شبه پول نوع سوم دارائی‌ها به صورت دارائی‌های ثابت و غیرمنقول و فیزیکی می‌باشد.

مشکلات مختلفی مواجه بوده و ممکن است دارای اثرات نامساعد اقتصادی بر: انگیزه کار، پس انداز، سرمایه گذاری و غیره داشته باشد. علاوه بر این ممکن است بار اضافی نیز ایجاد نماید و از نظر سیاسی و اجتماعی نیز نامناسب باشد ولی در استقراض در مواردی که دولت نیاز فوری به جمع آوری وجوه داشته باشد می تواند بدون هیچگونه اجبار و با مشکلات سیاسی و اجتماعی کمتری وجوه مورد نیاز را تأمین نماید.<sup>۲۲</sup> بنابراین از طریق استقراض می توان به راحتی سیاست توازن و تعادل در بودجه را نیز رعایت کرد. البته باید توجه نمود که افزایش شدید دیون ملی ممکن است از نظر روانی باعث کاهش اعتماد مردم و بخش خصوصی به دولت شود. این امر می تواند با ایجاد بدبینی در انتظارات بخش خصوصی نسبت به آینده اقتصادی کشور، موجبات کاهش سرمایه گذاری خصوصی و در نتیجه کاهش

تولید را فراهم سازد.<sup>۲۳</sup> همچنین باید افزود که در مجموع قرضه ملی ممکن است باعث افزایش نابرابری در توزیع درآمد و ثروت شود، در حالیکه مالیاتهای تصاعدی چنانچه با اشکالات عملی مواجه نشوند می توانند نابرابری توزیع درآمد را کاهش دهند زیرا دارندگان اوراق قرضه را معمولاً گروههایی تشکیل می دهند که توانایی پس انداز داشته باشند. بنابراین معمولاً خریداران اوراق قرضه افراد ثروتمند هستند.

با توجه به اینکه در نتیجه نگهداری اوراق قرضه دولتی پاداشی به صورت بهره نیز به دارندگان قرضه دولتی پرداخت می شود، درآمدهای بهره ای که از طریق مالیات تأمین می گردد عاید گروههای دارای درآمد بالا می شود باعث تشدید نابرابری در توزیع درآمد خواهد شد.<sup>۲۴</sup>

۲۲ - البته باید گفت استقراض خارجی ممکن است با مشکلات سیاسی و اجتماعی نیز مواجه باشد.

۲۳ - باید اضافه نمود که در نتیجه قرضه دولت به خاطر رقابت این قرضه با قرضه خصوصی، نرخ بهره افزایش می یابد و در نتیجه باعث کاهش سرمایه گذاری خصوصی می شود. بنابراین بخشی از مخارج دولت جایگزین سرمایه گذاری بخش خصوصی می شود این موضوع به اثر جایگزینی و با خشی شدنی مخارج دولت (crowding - out effect) معروف است.

۲۴ - البته باید گفت این مسأله در مجموع به نوع مالیات، انتقال مالیات، میل نهایی به مصرف مالیات دهندگان و دارندگان اوراق قرضه بستگی دارد.

منابع

- ۱ - بانک مرکزی ایران - حسابهای ملی ایران ۵۶ - ۱۳۳۸ - اداره بررسی های اقتصادی - تهران ۱۳۶۰
- ۲ - بانک مرکزی ایران - ترازنامه بانک مرکزی ایران سالهای مختلف - اداره - بررسی های اقتصادی - تهران
- ۳ - بانک مرکزی ایران - برآورد اولیه تولید و هزینه ملی کشور در سال ۱۳۶۵ - اداره بررسی های اقتصادی - تهران - ۱۳۶۷
- ۴ - دیولیو - اوجین . آ- ترجمه و اضافات احمد جعفری صمیمی - نظریه و مسائل اقتصاد کلان - دانشگاه مازندران - چاپ دوم - بابلسر تابستان ۱۳۶۸
- ۵ - مرکز آمار ایران - سالنامه آماری ۱۳۶۷ - تهران ۱۳۶۸
- 6 - Buchanan, James, M, public principles of public debt, Homewood, Richard, D. Irwin INC, Chiago 1958.
- 7 - Davis J.R; and Meyer, C.V principles of public finance prentice- Hall inc, N.J. 1983.
- 8 - International Monetary Fund IMF survey, January 9,1989.
- 9 - International Monetary Fund IMF Survey, October 30,1989.
- 10 - International working group on external debt statistics, External debt, paris, 1988.
- 11 - McGraw - Hill book CO, 1989.
- 12 - the World Bank, world Development report 1988, Oxford University press June 1988.